

مقدمه

از جرائم مهمی که در پی توسعه و پیشرفت روزافزون روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به وجود آمده و روزبه‌روز، پیچیدگی، ظرافت و اهمیت آن بیشتر می‌شود، «جعل» و در پی آن، استفاده از اسناد و نوشتجات مجعول و مزور می‌باشد که از جرائم مهم و محلّ به امنیت و آسایش عمومی به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت موضوع و لزوم بررسی هرچه بیشتر منابع مختلف آن، به منظور تبیین ابعاد مختلف، عناصر و ارکان این بزه با رجوع به منابع مختلف، قوانین و رویه قضایی، به‌ویژه آرای هیئت عمومی دیوانعالی کشور، کوشش شده است قواعد جزایی و جنبه‌های حقوقی و فنی این پدیده مجرمانه استخراج شود و عناصر اختصاصی آن براساس مبانی و اصول حاکم بر نظام کیفری کشور تجزیه و تحلیل و نظرات قانون‌گذار در تصویب مواد قانونی مربوط بررسی و تبیین گردد. در این مقاله، ابتدا پیشینه جرم استفاده از سند مجعول در حقوق جزای اسلام و ایران و سپس عناصر تشکیل‌دهنده این جرم را با مقایسه با حقوق جزای برخی از کشورهای دیگر بررسی می‌کنیم.

مبحث اول: پیشینه جرم استفاده از سند مجعول در حقوق اسلام و ایران

قدیمی‌ترین قانون مدون بشری، یعنی مجمع‌القوانین حمورابی، در ماده ۵ برای قاضی (اگر با از بین بردن حکم، آن را مخدوش کند) پرداخت جریمه‌ای معادل دوازده برابر مدعا به و انفصال ابد از شغل قضا را پیش‌بینی کرده است.^۱ در متون فقهی در آخر مبحث محاربه، از استفاده‌کننده سند مجعول و مزور با عنوان «محتال» (کسی که با استفاده از نوشتجات مزور، شهادت دروغ، مکر و حيله، اموال مردم را ببرد [تصرف کند])^۲ نام برده شده است و برای «احتیال» (کلاهبرداری از راه تزویر نوشتجات و استفاده از اسناد مجعول و مزور و دروغ)^۳ مجازات تعزیری مقرر گشته است که نوع و مقدار

۱. حسین میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سوم، نشر میزان، تهران، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۴۰.
۲. ر.ک: قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳. همان.

پژوهشی در جرم استفاده از سند مجعول

□ حسین فتح‌آبادی

□ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

چکیده

جرم استفاده از سند مجعول از جرائم علیه آسایش عمومی است که ممکن است مقدمه یا وسیله ارتکاب بسیاری از جرائم مهم دیگر، خصوصاً جرائم علیه اموال باشد. در کنار این بزه، جرم جعل اسناد و نوشتجات در مواد قانونی یاد می‌شود، در حالی که قانون‌گذار نه تنها تعریفی از آن ارائه نداده، بلکه از ذکر مصادیق آن نیز خودداری کرده است.

در این مقاله، کوشش می‌شود افزون بر اشاره به پیشینه فقهی و تقنینی این جرم، ضمن ارائه تعریفی از آن با رجوع به منابع مختلف، به‌ویژه رویه قضایی و مقایسه حقوق برخی کشورها، خصوصاً انگلستان و فرانسه، عناصر، ارکان و شرایط لازم برای تحقق این جرم بررسی شود.

کلیدواژگان: حقوق کیفری، جعل، استفاده و استعمال، سند مجعول، علم به جعلی بودن سند و نوشته.

آن به نظر امام و حاکم واگذار شده است.^۱ این جرم، در حقوق اسلام، تنها در خصوص بردن اموال و خطر و فسادى که در پی دارد، مورد توجه قرار گرفته است و به سایر ابعاد آن به گونه‌ای که در سیستم حقوق جزایی عرفی وجود دارد، نپرداخته است؛^۲ بنابراین، در فقه اسلامی می‌توان این جرم را با استناد به عناوینی کلی، مثل اکل مال به باطل^۳ یا منع تدلیس^۴ و تقلب^۵ که در قرآن کریم مکرر اشاره شده است، ارتکاب این عمل را ممنوع و موجب عقاب و تعزیر دانست.

نخستین مقررات راجع به جعل و استفاده از سند جعلی که در کتابچه قانونی «کنت» موجود است، در سال ۱۲۹۶ ق. به امضای ناصرالدین شاه رسید.^۶ پس از آن، با تصویب قانون مجازات عمومی در ۲۴ دی ماه ۱۳۰۴ ش. در فصل سوم از باب دوم با عنوان «در جنحه و جنایت بر ضد آسایش عمومی» در مواد ۹۸، ۹۹، ۱۰۵ و ۱۰۶، استفاده از سند مجعول جدا از جرم جعل با عنوان «استفاده از سند مجعول»، قابل مجازات تلقی شد و در مواد دیگری نیز استفاده از سند مجعول خاصی را جرم معرفی کرد. در قانون مذکور، جرائم به سه دسته «جنایت»، «جنحه» و «خلاف» تقسیم شد و مجازات استفاده کننده از سند مجعول از نوع مجازات جاعل همان سند بود و در مواردی که اصل عمل جعل، جنایت و یا جنحه بود، استفاده از سند مجعول مزبور نیز حسب مورد، جنایی یا جنحه‌ای بود. در سال ۱۳۵۲ ش. تغییراتی جزئی در مواد مربوط به استفاده از سند مجعول به وجود آمد. قانون ۱۳۶۲ ش. مواد ۱۹ به بعد و نیز قانون تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵ ش. در مواد ۵۲۳ به بعد، جرم جعل و استفاده از اسناد جعلی را مورد حکم قرار داد.

۱. ر.ک: حسین فتح‌آبادی، «استفاده از سند مجعول»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۷۱، ص ۸۵.
۲. ر.ک: همان، ص ۸-۵.
۳. «یا أيها الذین آمنوا لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل»؛ بقره/ ۱۸۸.
۴. «من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه»؛ نساء/ ۴۶.
۵. «فمن بدلّه بعد ما سمعه فإیما إثمه علی الذین یدّلونه إن الله...»؛ بقره/ ۱۸۱. زیرا در بسیاری از موارد، جرم جعل و استفاده از سند مجعول در راستای تهیه مقدمات برای ارتکاب جرائم علیه اموال، مثلاً کلاهبرداری ارتکاب می‌یابد.
۶. برای اطلاع بیشتر در خصوص کتابچه قانونی «کنت» رجوع کنید به: محمدتقی دامغانی، صد سال پیش از این، چاپ اول، انتشارات شبگیر، تهران، اردیبهشت ۱۳۵۷، ص ۱۷-۱۸ و ۲۲-۲۳.

مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم استفاده از سند مجعول

عناصر قانونی جرم استفاده از سند مجعول

در قانون تعزیرات، مواد ۵۲۴-۵۴۲ خصوصاً مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ به عنصر قانونی جرم مذکور به صورت عام^۱ و در قوانین و مقررات پراکنده کیفری به نحو خاص، به این جرم اشاره شده است؛ همچون قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه و قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری.

عناصر مادی جرم استفاده از سند مجعول

با ملاحظه مواد قانونی مربوط به استفاده از اسناد و نوشتجات مجعول، از جمله مواد ۵۲۳-۵۴۷ مشخص می‌شود که قانون‌گذار، مطلق استفاده آگاهانه از سند و نوشته را جرم دانسته، اما تعریفی در این باره، ارائه نداده است و جز در موارد بسیار محدود، حتی به مصادیق آن نیز اشاره نکرده است. هر چند استفاده از سند مجعول یک عنوان قانونی مستقل از جرم جعل اسناد و نوشتجات و دارای عناصر جداگانه است، مسلم است که برای تحقق عنصر مادی، نوشته و سندی که در آن، جعل صورت گرفته باشد، ضروری است. دیوانعالی کشور نیز به این اصل تصریح کرده و مقرر می‌دارد: منظور قانون‌گذار در استفاده از اسنادی است که برابر مواد مربوط به جعل، مجعول شناخته می‌شود، نه استفاده از هر سند مزور؛ مثلاً کسی که ملک خود را با سند عادی اجاره داده است، دوباره همان ملک را با سند رسمی به دیگری اجاره دهد. وصول وجه اجاره سند دوم، استفاده از سند مجعول نیست؛ چون به تنظیم سند دوم معارض با سند اول جعل اطلاق نمی‌شود.^۲

۱. مواد ۲۱۱ به بعد قانون عقوبات مصوب.
۲. رأی شماره ۲۳۴۳ مورخ ۱۳۱۷/۱۰/۲۷ شعبه ۲ دیوانعالی کشور، مجموعه حقوقی، شماره ۲۱، سال ۱۳۱۸؛ محمدتقی امین‌پور، قانون کیفر همگانی آراء دیوانعالی کشور، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۳۰، ص ۶۵، ردیف ۷؛ همچنین، ر.ک: رأی شماره ۱۰۸۵۹/۱۶۹ مورخ ۱۳۱۷/۱/۲۷، به نقل از محمد عبده بروجردی، اصول قضایی جزایی دیوانعالی کشور، کتابفروشی محمدعلی علمی، تهران، ۱۳۳۶، ص ۹۱ شماره ۳۷۸ و ص ۸۹، رأی شماره ۱۲۱۷۷/۲۳۸۹ مورخ ۱۳۱۵/۱۰/۳۰ و رأی شماره ۹۰ مورخ ۱۳۱۶/۱/۱۰.

از این رو، از میان اجزای عنصر مادی لازم برای تحقق جرم مذکور، فقط به بررسی موضوع جرم، فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه می‌پردازیم:

الف) موضوع جرم (نوشته و سند)

تعریف «نوشته»، بین حقوق‌دانان کیفری، مورد اختلاف است^۱ و سند در دو معنای موسّع^۲ و مضیق^۳ ممکن است به کار رود و ممکن است ذاتی و اصیل باشد؛ مثل قرارداد و وصیت‌نامه، یا اتفاقی باشد؛ مثل یک نامه عاشقانه از سوی یکی از زوجین برای فردی بیگانه که طرف مقابل، آن را مستند دعوی طلاق خود قرار دهد، یا نامه محبت‌آمیزی که شوهر به همسر خود نوشته و از عدم پرداخت نفقه به او، عذرخواهی می‌کند و این نامه، مستند دعوی ترک انفاق از سوی زن قرار گیرد.^۴

طبق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، سند، نوشته‌ای است که در مقام دعوا یا دفاع از دعوا استنادپذیر باشد؛ بنابراین، نوشته یعنی «مکتوب بودن» و از خصوصیات مهم آن، استنادپذیری است و اینکه ساختن، تغییر یا تحریف آن (حذف، اضافه یا استبدال) باید توان ضرررسانی به غیر را داشته باشد.

همچنین نوشته موضوع جرم جعل و بالتبع، استفاده از سند مجعول باید لزوماً بر روی چیزهایی مثل کاغذ نگاشته شده باشد و ممکن است بر روی یک پیام

۱. ر.ک: جندی عبدالملک، الموسوعی الجنائی، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، لبنان، بیروت، ج ۲، ص ۳۶۷، شماره ۶۶-۶۵.

۲. همان؛ همچنین ر.ک: محمد سلیمان پور، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر تطبیقی (رساله دکتری)، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۴۱، ص ۳۷ (بند ۳ ماده ۹۱ قانون مجازات هلند مصوب ۱۱ ژوئیه ۱۹۳۲ م.)؛ سیدجلال‌الدین مدنی، ادله اثبات دعوی، چاپ اول، اسفند ۱۳۷۰، پانوش ص ۸۰.

۳. محمد سلیمان پور، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر تطبیقی، ص ۳۲؛ تعریف سند در حقوق انگلستان و سوئیس و بخش ۱۱ قانون مجازات پروس مصوب ۱۸۵۱ م. بند ۲ ماده ۳۴۷؛ فریدون امامی، «مطالعه تطبیقی جعل اسناد در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۲۳ (۳)، ترجمه بند ۱۸۸ حقوق جزای اختصاصی «گویه» (نویسنده فرانسوی) و آرای ۱۸ اکتبر ۱۸۴۸ و ۱۶ نوامبر ۱۸۵۰ و ۱۳ ژوئیه ۱۸۹۹ دیوان کشور فرانسه.

۴. حسین میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سوم، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۴۸.

رایانه‌ای،^۱ یک قطعه سنگ حجاری شده، یک فلز و یا یک مجسمه نیز درج شده باشد؛ مثلاً متهم با ورود به سیستم رایانه، نوشته‌ای را وارد کند، یا نوشته موجود را تغییر دهد، یا بر روی سنگی، نوشته‌ای را حک کند یا نوشته موجود بر روی آن را تغییر دهد. طبق بخش ۳۲۱ قانون جزای کانادا، نوشته‌های حک شده بر روی سنگ، فلز و چیزهای مشابه، صراحتاً از شمول مقررات راجع به جعل و استفاده از سند جعلی مستثنا شده است و در حقوق انگلستان، نوشته ممکن است بر روی هر چیزی باشد و حقوق‌دانان مصری نیز معتقدند ممکن است نوشته (محرر) بر روی کاغذ، چوب، سنگ و... باشد.^۲ به رغم مشخص نبودن پاسخ صریح این سؤال در حقوق ایران، به نظر می‌رسد با توجه به معنای عرفی نوشته و مواد مذکور در قانون تعزیرات و قوانین دیگر و با توجه به لزوم تفسیر مضیق نصوص جزایی، باید نوشته را به قدر متیقن آن، یعنی نوشته مندرج بر روی اوراق کاغذ محدود کرد، نه به نوشته موجود بر روی سنگ، چوب، پارچه، مجسمه، برنامه رایانه، پلاک اتومبیل^۳ و فرش و...^۴

کشیدن تابلوهای نقاشی بدون جعل امضای نقاش، بسته‌بندی دور یک کالا مگر با اعتبار علامت یا نوشته‌های موجود بر روی آن، مجسمه، کاست ضبط صوت و دیسکت،^۵ کالاهای ساخته شده، تحریف گفته‌های یک شخص یا تقلید صدای وی، چسباندن عکس خود بر روی کارت شناسایی دیگری،^۶ نقشه‌های ترسیم شده از سوی مهندسان و آرشیوتکتها بدون آنکه کلمات و ارقامی در آنها درج شده باشد و... موضوع جعل نیست؛ بنابراین، برای شمول مقررات کیفری بر ساختن تقلبی این موارد و استفاده از آنها باید حکم خاصی در این باره پیش‌بینی شود. درباره تمبر، علامت یا آرم شرکتها و مؤسسه‌های دولتی و غیر دولتی، منگنه یا علامتی که برای

۱. ر.ک: پیش‌نویس طرح قانون جرائم کامپیوتری «Itirev.com».

۲. حسین میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی (۳)، ص ۲۴۹.

۳. در حقوق ایران، طبق ماده ۷۲۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ش.، دست‌کاری در پلاک اتومبیل به عنوان یک جرم خاص پیش‌بینی شده است؛ ر.ک: همان.

۴. همان.

۵. مقایسه کنید با موضوع حقوق انگلستان، به نقل از قانون جعل و قلب سکه؛ ر.ک: همان.

۶. نظریه شماره ۷۱۱۴ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۲۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.

تعیین عیار طلا و نقره به کار رود و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی نیز چنین است.^۱

ب) فعل استفاده از سند مجعول

با دقت در مواد قانونی مربوط به استفاده از اسناد و نوشتجات مجعول مندرج در قانون تعزیرات و پیشینه و منشأ آن مشخص می‌شود که قانون‌گذار، مطلق استفاده آگاهانه از سند مجعول را جرم دانسته است؛ به همین سبب، تشخیص عنصر مادی این جرم تقریباً مشکل شده است. مسلم است که برای تحقق این جرم همچون دیگر جرائم، لزوماً ارتکاب یک عمل یا فعل مثبت مادی و خارجی ضروری است و باید به گونه‌ای باشد که بتوان به آن، استفاده از سند مجعول اطلاق کرد. دیوانعالی کشور در تأیید این مطلب مقرر می‌دارد:

فقط داشتن شناسنامه مجعول بدون یک اقدام عملی و به کار بردن آن به منظوری خاص، استفاده از سند مجعول محسوب نمی‌شود.^۲

به نظر می‌رسد صرف نظر از اینکه در قانون، کیفیت استفاده از سند مجعول و مزوری که مجازات‌شدنی باشد، تعیین نشده است، در حالی که طبق قوانین انگلستان و آمریکا علاوه بر به کار بردن عبارت «use uttring»^۳ که به معنای «استفاده از سند جعلی» است، عبارت «possession-passing» به معنای «دست به دست کردن یا ترویج سند جعلی» را نیز به کار رفته است.^۴ به رغم اینکه در خصوص استفاده از برگ باید نحوه عملی که استفاده تلقی می‌شود، در حکم معین گردد، و

۱. ر.ک: مواد ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۲۹ و ۵۳۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ش.

۲. رأی شماره ۷۴ مورخ ۱۳۲۰/۱/۳۱ شعبه ۲ دیوانعالی کشور، به نقل از: احمد متین، مجموعه رویه قضایی (نظرات دیوانعالی کشور) قسمت جزایی جعل، ص ۱۸۰.

3. Black Henry, *Compbl Black law Dictionary*, 5th ed., U.S.A. West Publishing co, 1983; p.802; *Law Texts*, Under the Supervising of Dr. G. Eftekhar, Yalda Publication P.O.B. 19395/3394, Tehran, 1991, p.93; Oxford Reference, *Aconcise Dictionary of Law*, 2nd ed., Oxford University Press, 1990, p.174.

۴. ر.ک: بخش سوم قانون جعل و قلب سکه مصوب ۱۹۸۱ که جایگزین بخش ۶ قانون جعل مصوب ۱۹۱۳ م. شده است. در این قانون واژه «uttering» به کار رفته است.

عدم تعیین آن، مخالف اصول و موجب نقص است،^۱ رویه قضایی و حتی آرای محاکم دیوان کشور نیز رویه و نظر قطعی مقبولی را برای آن تعیین نکرده است و حتی آرای دیوانعالی کشور بعضاً باعث ابهام و مشتبه شدن جرم استفاده از سند مجعول با سود و انتفاع مادی از آن شده است. در آثار مؤلفان حقوق جزا نیز این موضوع مشروحاً بررسی نشده است؛ بنابراین، نخست باید معنا و مفهوم استفاده مشخص گردد تا بتوان قضاوت کرد که آیا به عمل مثبت مادی خارجی که تحقق یافته است، می‌توان جرم استفاده از سند مجعول اطلاق کرد یا خیر؟

۱. مفهوم استفاده در جرم استفاده از سند مجعول

قانون‌گذار در مواد مربوط به استفاده از سند مجعول گاهی کلمه «استفاده» و گاهی کلمه «استعمال» را به کار برده است که در بادی امر، موهوم این است که این دو کلمه، دو جرم جداگانه با آثار متفاوت بوده و ممکن است گاهی «جرم استفاده» و گاهی «جرم استعمال» نوشته و سند تحقق پذیرد، حال آنکه چنین نیست. زیرا:

استعمال در لغت به معنای «عمل کردن»، «به کار انداختن» و «به کار بردن» و استفاده به معنای «فایده گرفتن»، «بهره خواستن» و «سود بردن» است. این دو کلمه به لحاظ شباهتشان در مفهوم، در محاوره عرفی در معنای مترادف به کار برده می‌شوند و دقت کافی در معنای ویژه هر یک به عمل نمی‌آید [به طوری که] به کار بردن یکی به جای دیگری معمول به است. با توجه به این توضیح و با عنایت به اینکه کلمات قانون محمول بر معانی عرفیه است، می‌توان گفت که دو کلمه «استفاده» و «استعمال» در عرف قضایی دارای مفهومی مشترک است و آثار حقوقی مستقل از یکدیگر ندارد.^۲

اما مفهوم استفاده، مطلق است و به ظاهر خود، تمام انواع بهره‌برداریها را شامل می‌شود، همچنان که این عنوان در قانون و مواد مربوط به صورت مطلق ذکر شده و نوع یا انواع خاصی از آن، جرم تلقی نشده است.

۱. ر.ک: حکم شماره ۳۱۶ مورخ ۱۳۱۸/۱۲/۱۶، شعبه ۲ دیوانعالی کشور، به نقل از: علیرضا مصلاهی،

جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران، خط سوم، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷.

۲. نظریه شماره ۷/۷۹۱ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۵ اداره حقوقی وزارت دادگستری.

حال سؤال این است که با توجه به روح قوانین و مقررات، آیا منظور قانون گذار نیز تلقی کردن همه انواع استفاده به عنوان جرم بوده است، یا این امر به بعضی از آنها اختصاص دارد؟ برای مثال، ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی از حیث استفاده از اسناد و نوشتجات رسمی مجعول، مطلق است و بدون اینکه نوع استفاده را مشخص کند، آن را جرم دانسته است و مقرر می‌دارد:

هر کس اوراق مجعول مذکور در مواد ۵۳۲، ۵۳۳ و ۵۳۴ را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از شش ماه الی سه سال یا به سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۶ نیز استفاده از اسناد و نوشتجات غیر رسمی مجعول و ساختگی را با بیانی مطلق، جرم دانسته است. همچنین در مواد دیگری که از استفاده و استعمال سخن به میان آمده است، استفاده، به نوع خاصی مقید نشده و ماهیت و کیفیت آن روشن نشده است. برای پاسخ به این سؤال که آیا استفاده از سند مجعول به صورت مطلق و به هر کیفیت، جرم و مشمول عنوانهای قانونی است یا خیر، استدلال شده است که با توجه به روح مقررات مربوط به استفاده از سند مجعول و رعایت اصول کلی، می‌توان گفت استفاده و استعمال سند مجعول به صورت مطلق، همه انواع استفاده و بهره‌برداری را دربر نمی‌گیرد؛ چرا که طبق یک قاعده اصولی، عنوانهای مطلق را همواره باید بر معانی‌ای حمل کرد که ابتدائاً و مستقیماً با اطلاق آنها به ذهن متبادر می‌شود؛^۱ به عبارتی دیگر، «الإطلاق ينصرف إلى الفرد الأكمل أو الأجل»؛ یعنی اطلاق همیشه به مصادیق کامل تر و آشکارتر منصرف می‌شود؛ مثلاً میز استفاده‌های مختلفی دارد، اما وقتی به طور مطلق گفته می‌شود «فلان شخص از میز استفاده کرد» فوراً این معنا به ذهن می‌رسد که آن شخص از میز برای نوشتن یا خواندن استفاده کرده است؛ چون این نوع استفاده از میز رایج است و هرگز این معنا که «بالای آن رفته و تابلویی را به دیوار نصب کرده باشد»، به ذهن متبادر نمی‌کند مگر اینکه این معنا به کمک قرینه‌ای به ذهن نزدیک و تفهیم شود؛ چرا که انصراف ذهن از ظهور لفظ (عبارت) در مقید ناشی

می‌شود؛ بدین معنا که مقید به سبب کثرت استعمال لفظ در آن و اینکه اراده شدن آن از لفظ شایع است و از خود لفظ، انصراف می‌یابد؛ (مثلاً هنگام گفتن «استفاده از سند مجعول»، فروختن آن به ذهن متبادر نمی‌شود). در این صورت، بی‌تردید برای تمسک به اطلاق مجالی نمی‌ماند؛ زیرا این ظهور، لفظ را به منزله مقید به تقیید لفظی قرار می‌دهد و در این حال، برای کلام، ظهوری در اطلاق منعقد نمی‌شود تا به اصلای الإطلاق که در حقیقت به اصلای الظهور بازمی‌گردد، تمسک شود.^۱

در این گونه موارد، عرف نیز همان معنایی را به کلمه نسبت می‌دهد که بدون قرینه و زودتر از معانی دیگر به ذهن می‌رسد و چون قانون گذار اهل عرف بوده و مقررات به زبان متعارف نوشته می‌شود و کلمات قانون بر معنای عرفیه حمل می‌شود؛ بنابراین، همواره باید معنای شایع و متبادر را به کلمات و عنوانهای قانونی نسبت داد. با توجه به این سخنان، دلایل زیر را می‌توان برای اثبات این نظر ذکر کرد:

اولاً، هر چند عنوان «استفاده» از نظر ادبی، مطلق و تمام انواع استفاده و بهره‌برداری از سند مجعول را شامل می‌شود، در بین انواع استفاده، پاره‌ای از آنها، مصادیقی بارز و آشکار است و به نظر می‌رسد این اطلاق، این گونه تفسیر شود که به کار بردن سند مجعول به جای سند واقعی و صحیح به منظور به دست آوردن همان نتیجه‌ای است که از به کار بردن سند حقیقی به دست می‌آید؛ زیرا از سند مجعول عادتاً این نوع استفاده به عمل می‌آید.^۲ ترویج سند مجعول در قانون جعل و سکه تقلبی عبارت است از به کار بردن یک سند مجعول به جای سند اصلی به وسیله کلمات و اعمال، اعم از اینکه پذیرفته شود یا نه؛^۳ مثلاً استفاده از گواهینامه جعلی رانندگی این گونه است که شخص با همراه داشتن آن به رانندگی پردازد و هنگامی که پلیس او را متوقف کرده و از او گواهینامه مطالبه کند، وی گواهینامه جعلی را

۱. محمدرضا مظفر، اصول فقه، ترجمه علیرضا هدایی، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران، زمستان ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. این تفسیر، در ماده ۴۷۱ قانون جزایی پاکستان و متن مواد قانون کیفری کشورهای دیگر، از قبیل هند، آمریکا، انگلیس و... آمده است.

3. Black Henry, *Campbell Black Law Dictionary*, p.802.

1. *Amiscellany of Law Texts and Order...*, Yalda Publication, 1991, p.93.

ارائه دهد. در قوانین بسیاری از کشورها نیز به همین معنا تصریح شده است؛ از قبیل برخی از ایالات آمریکا (از جمله کالیفرنیا^۱ و پنسیلوانیا^۲)، انگلستان^۳، استرالیا، نیوزیلند، ایتالیا، هندوستان، ترکیه، پاکستان، کانادا و مصر.

این انصراف، سبب می‌شود تا عبارت «استفاده از سند مجعول» به همین معنای متبادر اختصاص یابد و بر سایر انواع استفاده‌ها دلالت عرفی نداشته باشد؛ بنابراین برای مثال می‌توان گفت، فروش گواهینامه رانندگی و تسلیم آن به اشخاص در قبال اخذ مبلغی وجه و یا ارائه گواهینامه به عنوان برگ تشخیص هویت به متصدی هتل، هر چند از اعمال زشت و ضد اخلاقی به شمار می‌رود، ممکن نیست مشمول عنوان کیفری استفاده از سند مجعول قرار گیرد. در این باره، استفاده به مفهوم معنای متبادر از مقررات مربوط به عمل نیست و در قانون ایران نیز عنوان فروش سند مجعول یا مطلق ارائه آن، مستقلاً جرم تلقی نشده است.

ثانیاً، اگر در شمول مقررات مربوط به استفاده از سند مجعول نسبت به مواردی تردید شود، بدیهی است که طبق اصل برائت و قواعد کلی، تفسیر این مقررات باید به سود متهم انجام گیرد و حکم برائت نسبت به این اتهام صادر شود. با دقت در این استدلال، ملاحظه می‌شود که نتیجه‌گیری، مبهم بوده و استدلال، مبنای استواری ندارد؛ چراکه قانون‌گذار در مواد مربوط، مطلق استعمال نوشتجات و اسناد مجعول و مزور را بدون هیچ‌گونه قیدی جرم دانسته است؛ زیرا اگر قید یا محدودیتی لازم می‌بود، آن را بیان می‌کرد؛ بنابراین، اصل بر اطلاق است و هرگونه استفاده از سند مجعول با علم به جعلی بودن آن، پیگرد قانونی داشته و مقید گردانیدن اطلاق مذکور در نصوص قانونی به مستند قانونی نیاز دارد.

هنگامی که قانون‌گذار استفاده و استعمال را به طور مطلق و آن را فقط به شرط علم به جعلی بودن نوشته و سند مورد استفاده، جرم دانسته است، مصلحت و سیاست کلی

1. California Penal Code.
2. Pennsylvania State Police Training School, *Pennsylvania Criminal Law*, Copyright 1958, Section 1014-1024.
3. Model Criminal Code, July 1994, p.103.

۲۰۱

۲۰۲

آن است که اعتبار این اعتماد عمومی به آنها حفظ شود و از متزلزل شدن اعتماد و آسایش عمومی جلوگیری به عمل آید؛ چراکه هرگونه به‌کارگیری سند مجعول، مسلماً منافعی و مخالف غرض قانون‌گذار بوده و تحت عنوان جرم مذکور قرار می‌گیرد.

هرگاه قانون‌گذار، نوشته‌ای را جعلی و بی‌اعتبار دانست، هرگونه کاربرد و استفاده از آثار آن، تحت عنوان «جرم استفاده از نوشته و سند جعلی» قرار می‌گیرد؛ چراکه فرض این است که چنین سندی اصلاً نباید وجود می‌داشت، حال که از سوی شخصی، اعم از استفاده‌کننده یا شخص دیگری، جعل شده است، هیچ‌گونه اثری جز همان مجازات قانونی جعل نباید بر آن مترتب باشد؛ بنابراین، چنانچه شخصی با به‌کار بردن و استفاده از آن بخواهد از آثار آن به‌طور غیر قانونی و نامشروع بهره‌مند شود و به جعلی بودن آن علم داشته باشد، مجرم شناخته می‌شود و قانون‌گذار نیز شرط و قید دیگری جز علم به جعلی بودن برای این جرم در نظر نگرفته است. در جرم بودن استفاده از ورقه شناسنامه مجعول قصد فرار از نظام وظیفه شرط نیست؛^۱ چرا که به محض ارتکاب جعل و در مرحله بعد، به محض انجام دادن عمل مثبت مادی خارجی به منظور استفاده و استعمال سند مجعول، ضرر به وقوع می‌پیوندد و اعتبار اسناد و نوشتجات مخدوش می‌شود و اختلال در امر امنیت و آسایش عمومی را به دنبال دارد.

دکتر ولیدی در این باره می‌نویسد:

بنابراین، ارتکاب هر عمل مادی محسوس که عرفاً به قصد برخورداری از مزایای سند یا نوشته یا شیئی مجعول از ناحیه ارائه‌کننده آنها در خارج صورت می‌گیرد، عنصر مادی جرم استفاده یا استعمال سند یا نوشته یا شیء مجعول به شمار می‌رود، مشروط بر اینکه مرتکب به مجعول بودن آنها عالم باشد.^۲

البته این گفته، ارائه یکی از صور مختلف استفاده و استعمال نوشته یا سند مجعول است و ایشان قصد برخورداری از مزایا را برای استفاده لازم دانسته‌اند. نتیجه

۱. رأی شماره ۵۴۴ مورخ ۱۳۱۷/۳/۳، به نقل از محمد عبده بروجردی، *اصول قضایی (جزایی) دیوان عالی کشور*، ص ۸۵، ش ۳۵۰.

۲. محمد صالح ولیدی، *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹، ج ۱ و ۲، ص ۳۲۲.

بحث قبلی (به کار بردن سند جعلی به جای سند واقعی و صحیح به منظور به دست آوردن همان نتیجه‌ای است که از به کار بردن آن سند حقیقی به دست می‌آید) نیز دقیقاً جواب این استدلال بوده و سایر ارکان مربوط به بحث را متزلزل می‌کند؛ چراکه با توجه به تعدد و تنوع نوشتجات و اسناد، آثار مختلف و کاربرد آنها در عرف جوامع و اهداف و انگیزه‌های افراد در به کار بردن آنها، هر سند حقیقی و اصیلی ممکن است نتایج متعددی داشته باشد که عرف همه آنها را بپذیرد.

در مثال پیشین، اگر از گواهینامه جعلی فقط برای ارائه به پلیس استفاده گردد، بسیاری از سوء استفاده‌های صورت گرفته از آن که باعث سلب اطمینان عمومی از اسناد و نوشتجات و اختلال در امنیت و آسایش عمومی می‌گردد، تعقیب‌ناپذیر می‌ماند؛ استفاده‌هایی از قبیل: ارائه گواهینامه رانندگی به منظور برگ تشخیص هویت در مراجع مختلف، تحویل گرفتن خودرو، شرکت در انواع آزمونهای استخدامی، وصول چک از بانکها و... حال اگر این نتیجه را با توجه به این مثال، به گونه‌ای تفسیر کنیم که استفاده از هر سند و نوشته‌ای فقط در آنچه برای آن تهیه و تنظیم شده، جرم و تعقیب‌شدنی است، باطل بودن آن بدیهی به نظر می‌رسد و اگر آن را این گونه تفسیر کنیم که هرگونه استفاده‌ای که از سند حقیقی می‌توان کرد، با توجه به پیامدهای مختلف و کاربردهای متفاوت آن، استفاده از نوع مجعول آن نیز جرم است. در این صورت، نتیجه این تفسیر، نتیجه مطلوب ما خواهد بود.

در خصوص استناد به قاعده «الإطلاق ینصرف إلى الفرد الأکمل أو الأجمل»، می‌توان گفت در این مسئله، قانون‌گذار در مقام بیان بوده و اگر مردد باشم که در مقام بیان بوده یا در مقام اهمال، مقتضای اصل عقلایی این است که در مقام بیان باشد؛ چه عقلاً همچنان که متکلم را چنین در نظر می‌گیرند که متوجه است و غافل نیست و جدی است و شوخی نمی‌کند، هنگامی که درباره قانون‌گذار چنین تردیدی پیش آید، او را این چنین در نظر می‌گیرند که در مقام تفهیم و بیان است، نه در مقام اهمال و ابهام. با توجه به اینکه امکان تقیید کلام بوده است و هیچ گونه قرینه‌ای، اعم از متصل و منفصل بر تقیید وجود ندارد، کلام مجرد از قید، ظهور در اطلاق دارد و کاشف از این است که متکلم (قانون‌گذار) مقید را اراده نکرده است و اگر واقعاً آن را اراده کرده بود، بر او بود

۲۰۳

۲۰۴

که قید را بیان کند. در حالی که فرض این است که حکیم، متوجه و جدی و در مقام بیان است و مانعی برای تقیید وجود ندارد و چون قید را بیان نکرده و کلام خود را مقید نساخته است، معلوم می‌شود که اطلاق را در نظر داشته است؛ در غیر این صورت، با بیان نکردن قید، به غرض خود خلل وارد می‌کند؛ بنابراین، هر کلامی که تقیید آن میسر است، اما متکلم با اینکه متوجه، جدی و در مقام بیان است، آن را مقید نکند، ظهور در اطلاق دارد و حجتی برای متکلم و شونده خواهد بود؛ بنابراین، با توجه به این مطلب، اطلاق مذکور در مواد مربوط ممکن نیست مقید گردد.

دیگر اینکه در بحث قبلی به انصراف، تمسک شد؛ بدین معنا که انصراف ذهن از لفظ به برخی مصادیق یا بعضی از اصناف معنایش، مانع از تمسک به اطلاق می‌شود اما با توجه به مثال پیشین (استفاده از گواهینامه جعلی برای تشخیص هویت و ارائه به پلیس) به نظر می‌رسد که این انصراف از لفظ ناشی نیست، بلکه از سببی خارجی نشئت گرفته است. این سبب خارجی، فردی که انصراف به آن حاصل شده (ارائه گواهینامه به پلیس)، بیشتر وجود دارد، یا ممارست خارجی برای آن متعارف است؛ در نتیجه، این انصراف به ذهن آشنا و نزدیک شده است، بدون اینکه لفظ در این انصراف، تأثیری داشته باشد؛ همچون انصراف ذهن از لفظ «آب» در عراق به دجله و فرات. حق این است که این انصراف (ناشی از سبب خارجی) در ظهور لفظ در اطلاق اثری ندارد؛ بنابراین از تمسک به اطلاق ممانعت نمی‌کند؛ زیرا این انصراف، گاهی با قطع به اینکه از لفظ، خصوص مقید اراده نشده است، جمع می‌شود و به همین سبب، «انصراف بدوی» نامیده شده است؛ زیرا با تأمل و مراجعه به ذهن از بین می‌رود.^۱

از آنجا که در مسئله مورد بحث، اسناد و نوشتجات، تعدد، متفاوت و متنوع است و آثار گوناگونی دارد و ممکن است یکی از آثار و کاربردهای آنها در عرف به لحاظ کثرت نوعی استفاده، منصرف بدان شود، در حالی که با کمی دقت و تأمل، ذهن به کاربردهای دیگری نیز منصرف می‌شود؛ از این رو، تمسک به این قاعده نیز در جرم دانستن عملی که عرف آن را استفاده می‌داند، تأثیری ندارد.

۱. محمدرضا مظفر، اصول فقه، ترجمه علیرضا هدایی، ج ۱، ص ۱۹۰.

جندی عبدالملک نقل می کند:

قانون، استعمالی را که مجازات می کند، تعریف نکرده است و راههایی را که استفاده به شمار می رود، نیز تعیین نکرده است؛ زیرا استفاده از سند مجعول به اشکال و کیفیات مختلف و متعدّد صورت می گیرد و اغراض و اهداف در استفاده از سند مجعول [یا توجه به تعدّد و تنوّع نوشتجات و اسناد و کاربردهای آنها] متفاوت می باشد و قاعداً پیش بینی تمام موارد آن در یک یا چند ماده قانونی، خالی از اشکال به نظر نمی رسد؛ بنابراین، تشخیص موارد مذکور را همواره باید به نظر قاضی موکول کرد.^۱

همو می گوید:

استعمال سند مجعول به وسیله کلیّه روشهایی که به وسیله آن انتفاع ممکن است، حاصل می گردد، یا به صورتهای مشهور، یا رسیدن به فایده ای از طرف شخص دیگری که سند و نوشته علیه او استناد شده و یا با تقدیم سند مجعول به دادگاه برای قضاوت؛ به عبارت دیگر، استعمال، یعنی: به کار گرفتن سند مجعول در آنچه برای آن، تهیه شده است.^۲

دیوان کشور مصر نیز در آراء خود به این نکته توجه کرده و مقرر می دارد:

منظور از استعمال، استفاده از ورقه مجعول و مزور است به واسطه اظهار آن، یا استناد به آن برای رسیدن به امتیاز، سود و یا اثبات حقّی.^۳

احراز نظر قانون گذار، از اصل تفسیر به نفع متهم مهم تر است و مانع از این است که هر گونه ابهام و اطلاقی را بدون بررسی و بدون در نظر گرفتن اصول کلی و نظر قانون گذار به نفع متهم تفسیر کنیم.

بنابراین، با توجه به اطلاق موجود در مواد قانونی مربوط به استفاده و استعمال سند مجعول و نبودن محملی قانونی برای اختصاص آن به نوع خاصی از استفاده، این عنوان صرف نظر از علم به جعلی بودن آن (عنصر معنوی جرم) هر گونه عملی را که صرفاً استفاده و استعمال و به کار بردن سند مجعول تلقی گردد، شامل می شود. استفاده از سند

۱. جندی عبدالملک، الموسوعی الجنائی، ج ۲، ص ۵۴۲، ش ۴۲۵.

۲. همان، ش ۴۲۶.

۳. همان، ش ۴۲۷.

۲۰۵

۲۰۶

مجعول، هر گونه استفاده ای است که از سند اصیل و واقعی ممکن است صورت گیرد. یکی از اشکال بارز و مصادیق برجسته استفاده از سند مجعول، به کار بردن آن به منظور استفاده و بهره برداری از مزایا و آثاری است که سند، قانوناً برای آن ساخته شده و غالباً از آن استفاده می شود. در خصوص نوشته و سند خودنوشت و عادی که به طریق جعل مادّی یا معنوی ساخته شده است و در بین مردم مبادله می گردد، مسلّم است که طریق استفاده از آن، در هدفی منحصر است که برای آن ساخته شده است؛ مثلاً استفاده از یک مفاصاحساب و یا سند ذمه ای مجعول برای خودداری از پرداخت دین و یا وصول طلب غیر واقعی یا وصول بیش از مقدار طلب واقعی.

اسناد رسمی علاوه بر آثاری (استفاده هایی) که قانوناً دارد، از نظر عرف نیز آثار و کاربردهای مختلفی دارد که برشمردن همه آنها در قانون بی اشکال نیست؛ زیرا القاء اصول و وظیفه قانون گذار و احراز مصادیق آن، وظیفه دادرس و تشخیص موارد آن بر عهده قاضی است. قاضی در هر پرونده ای با توجه به موارد فوق (نوع سند، استفاده قانونی آن، کاربردهای عرفی آن، عمل متهم و...) حکم آن را معین می کند، در حالی که اصل ممنوع بودن تفسیر موسّع قانون جزا، ممنوع بودن قیاس در مسائل جزایی، قاعده الحدود تدرء بالشبهات، اصل برائت و تفسیر به نفع متهم، بر هر موردی حاکم می باشد؛ چرا که ارائه تعریفی غیر از تعریف فوق، توالی فاسدی را در پی دارد؛ مثلاً، اگر بگوییم، استفاده عبارت است از «به کار گرفتن سند مجعول در آنچه برای آن تهیه و تنظیم شده است» و یا «مطلق استعمال سند مجعول» و اینکه هر نوع استفاده ای به طور عام و بدون در نظر رفتن عرف، عادت، نوع سند و نوشته، آثار آن، عمل متهم و اوضاع موجود در هر قضیه، جرم است، در معنای نخست، بسیاری از موارد از تعقیب و مجازات مصون می ماند و در معنای دوم، اشخاصی بر خلاف انصاف و عدالت مجازات می شوند و یا مجازات شدیدتری به آنان تعلق می گیرد؛ جرم جعل و استفاده از سند جعلی در حقوق کانادا چنین تعریف شده است: در حقوق کانادا جرم جعل و استفاده از سند جعلی در ماده (۱) ۳۶۶ قانون جزای این کشور، [چنین] تعریف شده است: مطابق این ماده: «کسی مرتکب جعل می شود که مدرک نادرستی را با علم به نادرستی آن بسازد به قصد:

الف) اینکه مدرک به هر صورتی به عنوان مدرک درست به ضرر کسی، چه در کانادا و چه در خارج از آن، مورد استفاده یا عمل قرار گیرد؛ یا ب) اینکه شخص دیگری با این تصور که این مدرک صحیح است، چه در کانادا و چه در خارج از آن، برای انجام [دادن] یا خودداری از انجام [دادن] کاری، اغوا شود.^۱

۲. اشکال مختلف تحقق فعل مثبت خارجی در جرم استفاده از سند مجعول

با دقت در مواد قانونی و آرای دیوانعالی کشور و قوانین کشورهای دیگر درمی یابیم که تحقق فعل مثبت مادی خارجی (صرف نظر از جنبه ماهوی و شکل ظاهر آن) که بتوان بدان استفاده از سند مجعول اطلاق کرد، متفاوت است.

در مباحث پیشین، تقریباً چگونگی ماهیت عمل خارجی برای اطلاق استفاده بر آن مشخص شد. حال، سؤال این است که آیا عمل خارجی که رکن مادی فعل مجرمانه است، به اشکال خاصی منحصر است یا خیر؟ ظاهراً پاسخ به این سؤال به انواع اسناد و نوشتجات و تأثیرات قانونی سند (هدف) و مقامات مؤثر مربوط به آن سند و همچنین قصد استفاده کننده بستگی دارد. همان طور که پیش از این گذشت، در حقوق کشورهای دیگر نیز کلمات متفاوتی در این خصوص به کار رفته است.^۲

قسمت «۳» قانون جعل انگلستان مصوب ۱۹۸۱ م. در این خصوص مقرر می دارد:

جرم استفاده از سند جعلی وقتی محقق می شود که شخصی با قصد اغفال یا تقلب و با علم به مزور بودن سند مجعول، آن را به کار برد، تسلیم کند، انتشار دهد، و اگذار کند، به آن استناد کند، به منظور دریافت وجه یا مبادله ارائه کند، در جریان بگذارد.

طرح قانون جزای نمونه استرالیا در ماده ۳۱۳ به بعد، به تعریف جعل و استفاده از سند جعلی پرداخته و قصد استفاده و اغوا کردن را لازمه تحقق آن دانسته است.^۳ قانون جرائم استرالیا مصوب ۱۹۱۴ م. نیز در ماده ۶۳ به تعریف جعل و متعاقباً استفاده از سند

۱. حسین میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۲۴۳.
2. Pennsylvania State Police Training School Together with United States Criminal Laws of Interest to Local and State Police Pennsylvania Criminal Law and... State Police Civic, Association Hersh Pennsylvania, 6th ed., p.326 and 332.
3. Model Criminal Code, July 1994, p.103.

جعلی پرداخته که به موجب آن، به کار بردن مهر، امضا، مدرک ساختگی و یا تحریف شده را قابل مجازات می داند. در قوانین برخی از ایالات آمریکا در تعریف جعل به تغییر دادن و ساختن مدارک مکتوب و استفاده از چنین اسنادی تأکید شده است؛ از جمله قانون جزای کالیفرنیا در بخش ۴۷۰ با تفصیل بیشتری، مدارکی را که ممکن است موضوع جرم جعل و متعاقباً استفاده از سند مجعول واقع شود، برشمرده است.^۱ قانون جرائم نیوزیلند، مصوب ۱۹۶۱ م. در ماده ۲۶۴ جعل را چنین تعریف می کند:

وارد ساختن یک مدرک نادرست با علم به نادرستی آن، به این قصد که به هر شکل، چه در داخل و چه در خارج از نیوزیلند، از آن به جای یک مدرک صحیح استفاده شود، یا به این قصد که کسی به تصور صحیح بودن آن به انجام دادن یا انجام ندادن کاری، چه در داخل و چه در خارج نیوزیلند، اغوا شود.^۲

به موجب بخش ۲۵۶، مجازات این جرم، حداکثر ده سال زندان است.^۳ در ماده

۸ پیش نویس قانون جرائم رایانه ای نیز اصطلاح «استفاده کردن» به کار رفته است.

در آرای دیوان کشور از ابراز سند و نوشته مجعول در محاکم و ادارات،^۴ تقدیم سند مجعول به دادگاه،^۵ ارائه کردن سند مجعول و استناد به آن علیه طرف،^۶ تسلیم ورقه مجعول برای وصول وجه به محال علیه،^۷ به کار بردن برگ جعل شده در مقامات مؤثر^۸ و... تحت عنوان «استفاده و استعمال سند مجعول» یاد شده است. به

1. J. Samaha, Criminel Law, p.493.

2. R. A. Caldwell Criminel Law in Newzeland, Wellington. Butter Warths 6th ed., 1981, p.243.

3. Ibid.

۴. رأی شماره ۱۱۵۰-۹۶۶۳ مورخ ۱۳۱۶/۵/۲۴ شعبه ۲ دیوان عالی کشور ماده ۴۱ مصوب ۱۳۱۶، به نقل از: محمدتقی امین پور، قانون کیفر همگانی و آراء دیوان کشور - شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۳۰، ص ۶۵.

۵. رأی شماره ۲۱۸۴ مورخ ۱۳۱۸/۹/۶ شعبه ۵ دیوان عالی کشور ماده ۱۰ مصوب ۱۳۱۹، به نقل از: همان.

۶. همان.

۷. رأی شماره ۲۰۴۹ مورخ ۱۳۲۹/۸/۲۰ شعبه ۵ دیوان عالی کشور؛ مجله کانون وکلا، سال دوم، ش ۲۰.

۸. رأی شماره ۱۳۴۷ مورخ ۱۳۲۹/۶/۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور، به نقل از محمدتقی امین پور، کیفر همگانی و آراء دیوان کشور، ص ۱۷۸.

نظر می‌رسد اکثر این عبارات مترادف بوده و یک معنا دارند؛ یعنی: انجام دادن عملی مادی به منظور حصول نتیجه‌ای که از انجام دادن همان فعل (عمل) از سند واقعی و حقیقی گرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، ارتکاب هر عمل مادی محسوسی که عرفاً از ناحیه دارنده به قصد برخورداری از مزایای سند یا نوشتهٔ مجعول اعمال گردد، (هر کجا که سند قابلیت استماع پیدا کند)^۱ مشروط به اینکه مرتکب به مجعول بودن سند یا نوشته عالم باشد. استفاده از سند و نوشته نیز بسته به نوع و مزایای آن، مقصود استفاده‌کننده (دارنده) و کاربرد عرفی و قانونی ممکن است به صورت تقدیم، ابراز، ارائه، استناد، تسلیم، انتشار دادن، در جریان گذاشتن و... باشد؛ مثلاً ارسال نامهٔ مجعول یا مزور با پست به مقصدی معین نیز یکی از مصادیق استفاده از سند جعلی شمرده شده است.^۲ حقوق دانان انگلیسی‌زبان در این باره تصریح کرده‌اند که «استفاده»، همهٔ مواردی چون عرضه کردن، تحویل دادن، ارائه کردن، مبادله کردن و نظایر آنها را دربرمی‌گیرد و واژه‌ای عام است.^۳

ج) نقش ضرر در تحقق جرم استفاده از سند مجعول

جرم استفاده از سند مجعول جزء جرائم مطلق است. به محض تقدیم سند مجعول به دادگاه و استناد به آن علیه طرف بزه، استفاده از سند مجعول واقع شده به شمار می‌رود و ارائه‌کننده مستحق مجازات است، خواه آن سند، مفید واقع شده و فایده‌ای از آن حاصل گردد و یا آنکه به واسطهٔ ثبوت مجعولیت سند در همان دادگاه ترتیب اثری به ورقه مذکور داده نشده و استفاده از آن میسر نگردد.^۴

در واقع، مقدور بودن استفاده برای تحقق جرم استفاده از سند مجعول لازم

۱. علی آزمایش، *تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی (۳)*، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۶۷-۶۸، ص ۶۸۱.

۲. رأی مورخ ۱۵ مارس ۱۹۱۷ دیوان کشور فرانسه، *بولتن شماره ۷۶ دالوز*؛ محمد سلیمان پور، *جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی*، ص ۱۳۹.

۳. برای نمونه، ر.ک: Card Cross & Jones Criminal Law, p.357

۴. رأی شماره ۲۱۸۴ مورخ ۱۳۱۸/۹/۶ شعبهٔ ۵ دیوان عالی کشور، مادهٔ ۱۰ سال ۱۳۱۹، به نقل از: محمد تقی امین پور، *قانون کیفر همگانی و آراء دیوان کشور*، ص ۶۵ و نظریهٔ مشورتی شماره ۷۱۷۶۸۱ مورخ ۱۳۰۳/۱۱/۱۵ ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه.

است؛ یعنی سند مورد استفاده که با علم به جعلی بودن به کار برده می‌شود، استنادپذیر و از نظر قضایی و اثبات‌کنندگی ارزشمند باشد؛ بنابراین در جایی که استفاده از سندی مجعول، غیر مقدور است و کسی بدون اطلاع از این امر، در مقام استفاده از آن برآید و به همان علت، موضوع کشف شود، به این عمل، استفاده از سند مجعول اطلاق نمی‌شود؛ مثلاً اگر فردی شمارهٔ بلیط بخت‌آزمایی را تغییر دهد و آن را ارائه و به آن استناد کند تا جایزهٔ نخست را بگیرد، در صورتی که دارندهٔ بلیط اصلی پیش از او، جایزه را گرفته باشد و چون در حقیقت استفاده ممکن نبوده، به این عمل، استفاده از سند مجعول اطلاق نمی‌شود.^۱

دیوانعالی کشور در یکی دیگر از آرای خود مقرر می‌دارد:

دادنامه که با این استدلال صادر شود: گرچه مسلم است متهم، ورقهٔ مجعول را با علم به مجعول بودن آن برای وصول وجه به محال‌علیه تسلیم کرده است، ولی از جهت فقد دلیل کافی به شروع استفاده از سند مجعول تبرئه می‌شود، قابل نقض است؛ چه تسلیم حوالهٔ مجعول به محال‌علیه برای وصول وجه آن، خود یکی از انواع شروع به استفاده از سند مجعول است.^۲

همان‌طور که پیش از این گذشت، صرف ارائه و استناد و ابراز و... نوشتهٔ مجعول برای تحقق جرم استفاده از سند مجعول کافی است و این عمل، جرم تام بوده و اطلاق شروع به جرم برای آن خلاف مواد قانونی مربوط است؛ چراکه قانون‌گذار در مواد قانونی، صرف استفاده (ارائه و استناد و تسلیم سند مجعول را با علم به جعلی بودن آن) برای تحقق جرم کافی دانسته است و شروع به آن در فرض فوق، موردی ندارد و اگر کسی در یک دعوا به سند مجعولی استناد کرده و آن را وارد پرونده کند، با استرداد آن یا اعلام انصراف از استناد به سند مزبور نمی‌تواند از تعقیب و مجازات تحت عنوان جرم استفاده از سند مجعول معاف بماند.

۱. ر.ک: رأی شماره ۱۵۳۸/۱۹ مورخ ۱۳۲۸/۳/۱۷ که در پرونده ۲۵۶۰/۲۸ شعبهٔ ۲ دیوانعالی جنایی

تهران مندرج است؛ محمد تقی امین پور، *کیفر همگانی و آراء دیوان کشور*، ص ۶۵، شمارهٔ ۸.

۲. رأی شماره ۲۰۴۹ مورخ ۱۳۲۹/۸/۲۰ شعبهٔ ۵ دیوان عالی کشور، *مجلهٔ کانون وکلا*، ش ۲۰، سال دوم؛

محمد تقی امین پور، *کیفر همگانی و آراء دیوان کشور*، ص ۱۷۹، شمارهٔ ۹.

مبحث سوم: عنصر روانی جرم استفاده از سند مجعول (علم مرتکب)

سومین عنصر جرم استفاده از نوشته و سند، سوء نیت استفاده کننده است؛ یعنی: معرفت فاعل به مجرمانه بودن عمل ارتكابی و علم به مجعول بودن و مزور بودن نوشته و سند مورد استفاده.

قانون گذار نیز در مواد ۵۲۴-۵۳۶ قانون تعزیرات، این عنصر را شرط اصلی و اساسی برای تحقق جرم دانسته است؛ از این رو، در این جرم، شبهه و جهل موضوعی، رافع مسئولیت کیفری است و کسی که از ورقه مجعولی استفاده کند، مجازات نمی شود مگر اینکه به مجعول بودن آن آگاه باشد؛ به عبارت دیگر، قصد مجرمانه در جرم استفاده از سند مجعول به مجرد احراز علم استفاده کننده به مجعول بودن و مزور بودن نوشته و سند، صرف نظر از غرضی که به سبب آن از ورقه مجعول استفاده کرده است، محقق می گردد.^۱ در این جرم، سوء نیت یا قصد خاص خواستن نتیجه مجرمانه شرط نیست. استفاده کننده باید عمد در استفاده با علم به جعلی بودن سند و قصد ایراد ضرر، اعم از مادی و معنوی را به شخصی داشته باشد.^۲ مهم این است که باید بین علم به خلاف واقع بودن سند با علم به جعلی بودن آن تفاوت قائل شد؛ چرا که علم به خلاف واقع بودن یک سند با علم به مجعول بودن آن، تلازم ندارد، به خصوص اگر آثار و علائمی هم در آن موجود باشد که از مرجع مربوط صادر شده است.^۳

بنابراین، اگر کسی با علم به خلاف واقع بودن تصدیق نامه تحصیلی (بدون اینکه مجعولیت آن محرز باشد، یا متهم به مجعولیت آن علم داشته باشد) از آن استفاده کند، این عمل مادام که منظم به اغفال نباشد، جرم محسوب نخواهد شد.^۴

۱. جندی عبدالملک، الموسوعی الجنائی، ج ۲، ص ۵۴۴، ش ۴۳۶.

۲. حسین میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۳۱۳؛ رأی شماره ۹۱۲ مورخ ۱۳۳۹/۲/۳۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور، به نقل از: احمد متین، مجموعه رویه قضایی، ص ۳۲۷.

۳. ر.ک: رأی شماره ۹۱۲ مورخ ۱۳۳۹/۲/۳۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور، به نقل از: احمد متین، مجموعه رویه قضایی، ص ۱۲۴.

۴. رأی شماره ۲۶۳۳ مورخ ۱۳۲۷/۱۰/۲۲ شعبه ۵ دیوان عالی کشور، به نقل از: همان.

همچنین در رأی دیگری مقرر می دارد:

در خصوص به کار بردن گواهینامه تحصیلی مجعول، اگر محرز شود که متهم به مجعول بودن گواهینامه عالم نبوده و استفاده مالی نیز نداشته، عمل، مشمول هیچ یک از قوانین جزایی نخواهد بود.^۱

صرف نظر از اینکه دادگاه ابتدا باید جعلی بودن نوشته و سند را اثبات کند، در جایی که شخص به استفاده از سند مجعول متهم بوده و جعلی بودن نوشته و سند به موجب دادنامه دادگاه از پیش ثابت شده باشد، به نظر می رسد قاضی با توجه به اوضاع، قرائن، امارات موجود در پرونده و دلایل دیگر بتواند علم متهم به جعلی بودن را احراز کند؛ مثلاً در خصوص کسی که خودش نوشته و سندی را جعل و سپس از آن استفاده کند، علم متهم به جعلی بودن محرز است. در مواردی که سند و نوشته مجعول از راههای دیگری به دست استفاده کننده رسیده باشد، قاضی باید علم متهم به مجعول بودن سند و نوشته را احراز کند. دیوان عالی کشور استدلال دادگاه بدوی را مبنی بر اینکه «چون متهم سیگارفروش بوده و در نتیجه، مدام با پول سروکار داشته، حتماً علم به مجعولیت اسکناسهایی که خرج کرده، داشته است»، رد کرده و با تأکید بر لزوم عالم بودن متهم به جعلی بودن اسکناسها، صرف سیگارفروش بودن را به معنای علم به ماهیت جعلی اسکناسها ندانسته است،^۲ که چگونگی آن با توجه به هر مورد و پرونده ممکن است متفاوت باشد.^۳

در خصوص استفاده از سند جعلی از منظر حقوق جزای اختصاصی و عمومی و آیین دادرسی کیفری امکان بررسی مسائل دیگری وجود دارد، که شرح آن در این مقال نمی گنجد؛ از قبیل: احکام شروع به جرم استفاده از سند جعلی،^۴ معاونت در جرم استفاده از سند جعلی، تعدد و تکرار جرم استفاده از سند جعلی، قابل گذشت بودن یا

۱. رأی شماره ۲۶۱۳ مورخ ۱۳۲۷/۱۲/۱۸ شعبه ۵ دیوان عالی کشور و رأی شماره ۶۲۵ مورخ ۱۳۲۸/۴/۱۲ و رأی شماره ۶۲۶ مورخ ۱۳۲۸/۴/۱۲ شعبه ۲ دیوان عالی کشور، به نقل از: همان.

۲. ر.ک: امیرخان سپهوند، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، ص ۳۲۷.

۳. رأی شماره ۵۳۶۶ مورخ ۱۳۴۵/۹/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.

۴. ر.ک: نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۰۸۷ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳ و ۷/۷۶۸۱ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه.

نبودن جرم استفاده از سند جعلی، آنی یا مستمر بودن جرم استفاده از سند جعلی، ممنوعیت تعلیق اجرای مجازات جرم استفاده از سند جعلی، لزوم صدور قرار بازداشت متهم به استفاده از سند جعلی در تحقیقات مقدماتی، موارد معافیت از مجازات در جرم استفاده از سند مجعول، مجازات جرم استفاده از سند جعلی (که از تعزیر تا در حکم محارب بودن در متون قانون پیش‌بینی شده است)، مرجع استفاده از سند جعلی و....

نتیجه گیری

از بررسی مجموع قوانین راجع به جرم استفاده از سند مجعول در حقوق کیفری ایران و حقوق کشورهای دیگر این نتایج استنباط می‌شود:

۱. ارکان، چارچوب و تعریف این جرم در نظامهای حقوقی کشورهای مختلف، تقریباً همسانی دارد.

در نظام کیفری ایران، تعریفی از جرم مذکور وجود ندارد و در قوانین متفرقه و خاص نیز به مصادیق بسیار اندکی اشاره شده است. به کار بردن سند و نوشته جعلی به جای سند اصلی و حقیقی به منظور به دست آوردن همان نتیجه‌ای که از نوشته و سند واقعی به دست می‌آید، ممکن است تعریفی از جرم استفاده از سند جعلی باشد. استفاده از سند مجعول در مقامات مؤثر، یا در جایی که بتوان به آن اعتماد و تکیه یا استناد کرد و یا در آنچه برای آن ساخته شده (جایی که قابلیت استماع پیدا کند) با استفاده از ملاک عرفی از مصادیق برجسته و بارز این جرم می‌باشد.

۲. جرم استفاده از سند مجعول با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۱۳۳۶/۳/۳۰ دیوانعالی کشور حتی نسبت به جاعل، جرمی مجزا به شمار می‌رود و اگر کسی هر دو را مرتکب شود، در خصوص او با رعایت تعدد جرم، حکم می‌شود.

۳. استفاده و استعمال فعل مثبت مادی در قالب ارائه، انتشار و... است؛ از این رو،

۱. همچنین نظریه‌های مشورتی شماره ۵۲۸۱ مورخ ۱۳۷۸/۸/۹ و ۷/۵۲۰۲ مورخ ۱۳۷۸/۸/۳۰ و رأی شماره ۴۸۸۴ مورخ ۱۳۱۷/۲/۳۱ شعبه ۲ دیوانعالی کشور و رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور به شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ و رأی شماره ۱۵۸۵ مورخ ۱۳۱۹/۵/۱۷ شعبه ۵ دیوانعالی کشور.

ترک فعل، حمل و نگهداری، دست به دست کردن، ترویج، مبادله و فروش سند جعلی، تحصیل سند جعلی برای دیگران و تسلیم ورقه مجعول به ذینفع^۱ در رویه قضایی کشور، جرم استفاده از سند جعلی به شمار نمی‌رود.

۴. با توجه به شرایط لازم برای تحقق جرم مذکور، استعمال اشیای مجعول از قبیل فیلم، نوار و هر شیئی که نوشته یا سند مکتوب شمرده نشود، از شمول تعریف جرم مذکور خارج است.

۵. «استفاده» با توجه به مطلق بودن جرم مذکور به انتفاع مادی و معنوی مرتکب یا شخص مورد نظر وی یا نتیجه ضرری ارتباطی ندارد.^۲

۶. در عنصر معنوی این جرم، صرف نظر از اثبات جعلی بودن سند باید علم مرتکب به جعلی بودن آن محرز شود و علم مرتکب به واقع امر یا خلاف واقع بودن مندرجات و محتویات سند، مطلقاً به منزله اثبات علم به جعلی بودن آن نیست.

۷. برای تحقق جرم استفاده از سند جعلی، سه شرط لازم است: الف) احراز ماهیت جعلی سند یا نوشته؛ ب) علم مرتکب به جعلی بودن سند؛ ج) احراز قابلیت ضرر.^۳

۸. سوء نیت عام، شرط تحقق جرم استفاده از سند جعلی است؛ بنابراین اگر سند مجعول سهواً در بین اسناد متهم قرار گرفته و ابراز شده باشد، جرم تحقق نمی‌یابد.

۹. با توجه به سیاست کیفری در خصوص جرائم مانع، بهتر است قانون‌گذار حمل و نگهداری، داشتن سند مجعول، ترویج سند جعلی، دست به دست کردن، و ابراز جعل را جرم معرفی کند.

۱۰. دادگاه باید در دادنامه به چگونگی استفاده از سند مجعول تصریح کند؛ چراکه اجمال در این باره، موجب نقص دادنامه است.^۴

۱. حکم شماره ۱۳۴۷-۲۹۶۱ شعبه ۲ دیوانعالی کشور، به نقل از: علیرضا مصلاهی، جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران، ص ۲۰۲.

۲. نظریه مشورتی ۷۶۸۱/۷ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه و رأی شماره ۲۱۸۴ مورخ ۱۳۱۸/۹/۶ شعبه ۵ دیوانعالی کشور.

۳. رأی شماره ۱۹/۱۵۳۸ مورخ ۱۳۲۸/۳/۱۷ شعبه ۲ دیوانعالی کشور و حکم شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۱۸/۴/۱۱ شعبه ۲ دیوانعالی کشور.

۴. رأی شماره ۳۱۶ مورخ ۱۳۱۸/۱۲/۱۶ شعبه ۲ دیوانعالی کشور.